

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر الگویابی رفتارهای اجتماعی دانش آموزان

زهرا شیوازی - زینب شرافتی



نشر دارخوین
۱۳۹۴

بر شناسه: شیرازی، زهرا، ۱۳۵۹-
 عنوان و نام پدیدآور: عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر الگوپذیری رفتارهای اجتماعی دانش آموزان
 مشخصات نشر: اصفهان: نشر دارخوین، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۱۲۲-۶
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شناسه افزوده: شیرازی، زینب، ۱۳۶۲-
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۵۰۷۸

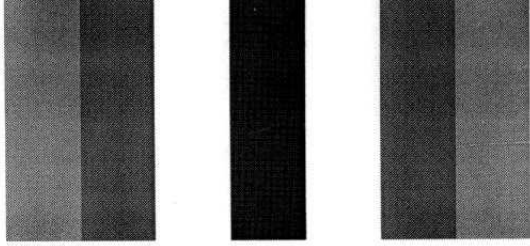


عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر الگوپذیری رفتارهای اجتماعی دانش آموزان

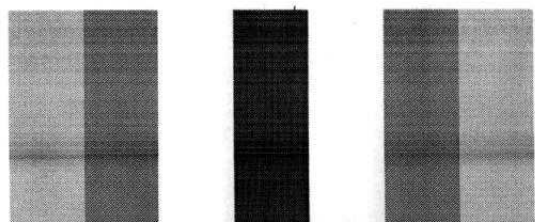
زهرا شیرازی - زینب شیرازی

www.ketab.ir

- ناشر: دارخوین
- نوبت چاپ: اول ۹۴
- تیراژ: ۱۰۰۰
- طرح جلد: سیدرضا موسوی
- صفحه آرای: حامد شاهمرادی
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۰-۱۲۲-۶
- مرکز پخش: اصفهان، نشر دارخوین



مقدمه	۹
فصل اول/ تعاریف مفهومی	۱۳
فصل دوم/ مفاهیم و اصطلاحات الگو	۱۹
الگو	۲۱
جایگاه الگو	۲۲
خصوصیات الگو	۲۴
انواع الگو	۲۴
تأثیر الگو	۲۵
تفاوت الگو و مدل	۲۶
ارزشی الگو	۲۷
فصل سوم/ الگوپذیری	۲۹
فرایند پیدایش الگو دو مرحله‌ای ارتباط	۳۱
مشکل‌های انگاری در الگوپذیری	۳۲
منابع الگوپذیری	۳۳
گروه‌های مرجع به عنوان الگوهای رفتاری	۳۶
الگوپذیری و جامعه‌پذیری	۳۷
فصل چهارم/ رفتار و عوامل مؤثر بر آن	۴۱
رفتار	۴۳
نیروهای مؤثر بر رفتار فرد	۴۴
رویکردهای بررسی رفتار	۴۵
فصل پنجم/ پایگاه و انواع آن	۴۹
پایگاه	۵۱
انواع پایگاه	۵۲
پایگاه اجتماعی	۵۲
عوامل تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی	۵۳



نشانه‌های پایگاه اجتماعی	۵۳
پایگاه اقتصادی	۵۳
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۵۴

فصل ششم/قشربندی اجتماعی	۵۵
ویژگی‌های پدیده‌ی قشربندی اجتماعی	۵۹
ابعاد قشربندی اجتماعی	۶۱

فصل هفتم/ مبانی نظری دینداری	۶۳
کارل مارکس	۶۵
واخ	۶۶
اسمیت	۶۸
براون	۶۷
سینگر	۶۹
اودن	۷۱
بویس	۷۰
برگر و لایمن	۷۱
چارلز گری	۷۴
متفکران اسلامی	۷۶

فصل هشتم/ مبانی نظری الگوپذیری	۸۱
تئوری یادگیری اجتماعی	۸۳
-تئوری مبادله اجتماعی	۸۸
تئوری یادگیری از راه مشاهده	۹۳
تئوری اجتماعی شدن	۹۳
تئوری مدگرایی	۹۴
-مد هم‌رنگی و تمایز	۹۴
مد و مقاومت	۹۵
چارچوب نظری کتاب	۹۶

منابع و مآخذ	۱۰۱
--------------	-----

مقدمه

برای کسی تردیدی در نقش تربیتی و سازندگی الگوها در زندگی آدمی وجود دارد. اگر هیچ تحلیل روانشناختی و دلیل علمی بر نقش اساسی الگوها در شکل‌گیری شخصیت فرد و نحوهٔ سوک او و نیاز همهٔ جنبه‌ای که به الگوها دارد، وجود نداشته باشد جز همان تجربه‌ای که هر فرد در زندگی شخصی در این خصوص دارد و احساس نیاز به الگو و تأثیر آن را عملاً و از درون در خود یافته و می‌یابد، در ضرورت اهتمام به این مهم کنیت می‌کند، بویژه برای کسانی که احساسات و عواطف قوی و پر تأثیر آنان احساس الگو، خویشی و زمینه تأثیر پذیری از الگوها را در آنان دو چندان می‌سازد.

هر فرد، متناسب با رشد و توانایی‌های خود در تعامل با دیگران قرار می‌گیرد و از میان آن‌ها کسانی که بیشتر او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، برایش «مهم» می‌شوند و سعی می‌کند خود را «شبیه» و «همانند» آن‌ها سازد و بگوید: «منم». به این افراد «الگو» می‌گوییم.

انسان‌ها همیشه در حال یادگیری‌اند و صد درصد رفتارهای پیرزیشان را می‌توان ناشی از یادگیری دانست. در واقع اساس همه رفتارها، اخلاقیات، اعتقادات، قضاوت‌ها و ارزش‌ها آموختنی است و در هر دوره‌ای از زندگی، اشخاص یا منابعی در نقش مربی، الگو و راهنما پیوسته مطالب را به دیگران می‌آموزند. به این ترتیب یکی از دلایل نیازمندی انسان‌ها به الگو، آموختن قواعد زندگی از طریق پیروی از رفتار، گفتار و پندار افراد مقبول و محبوب است تا خود را به صورت بازتاب وجودی او در آورند،

مطرح شوند و در جامعه جایگاهی بیابند. این واقعه جدی در زندگی، با الگو خواهی و الگو یابی نمود می یابد و از سوی دیگر، خصیصه کمال گرایی انسان سبب می شود تا خود را به کسانی که مظهر کمالات اخلاقی اند نزدیک کند، صفات آنان را کسب و در شخصیت خویش جذب نموده، آن ها را الگو قرار دهد.

آموزه های آسمانی نیز که بر محور فطرت، خرد، عاطفه و احساس استوارند، نیاز به الگو و الگو پذیری را امری حیاتی می شمارند تا استعدادها و توان های نهفته در نهاد آدمی در مسیری مطلوب جهت یابد. قرآن کریم تاثیر پذیری از الگو را با معرفی الگو ی نمود و ویژگی های برتر آنان نشان می دهد: اسماعیل، نماد تسلیم در برابر فرمان خدا، ابراهیم، فطرت جو و بت شکن، ایوب، قهرمان صبر در شداید روزگار و... قرآن در همه این موارد می فرماید: اینان کسانی اند که خداوند هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان استوار گردید.

بنابراین می بینیم که بخش مهمی از آنچه هر فرد یاد می گیرد، از طریق الگو گیری است. در یادگیری از طریق مشاهده الگو، فرد از طریق استنباط شخصی به تجزیه و تحلیل گفته ها و اعمال الگوی مورد نیاز و نگرش ها، عقاید، ارزش ها و رفتار خود را تغییر داده، خود را هر چه بیشتر به الگوی مورد نظر شبیه و همانند می سازد.

الگوها، از صور فرهنگی نشات می گیرند و افراد در هنگام عمل به طور طبیعی با این الگوها سر و کار دارند و اعمال آن ها نیز با این الگوها تابع می یابد. نوجوانان آگاهانه یا ناآگاهانه از یک الگو پیروی می کنند و گفتار، رفتار، عادات آن را سرمشق خود قرار می دهند. علت اصلی این تبعیت و پیروی نیز تاثیر پذیری یا نقش پذیری نوجوان است که بر دو پایه تلقین و تقلید استوار است.

الگوپذیری اگر چه در همه دوران زندگی انسان به چشم می خورد اما در هر دوره سنی، تحت تاثیر الگوهای خاصی قرار می گیرند که با ویژگی های سنی آنان همخوانی بیشتری دارد، به طوری که مثلاً الگوهایی که یک کودک تحت تاثیر آن قرار می گیرد، با الگوهایی که برای یک جوان به عنوان راهنمای عمل مطرح می شوند، تفاوت دارد و هر یک بر حسب نیاز سنی خود می کوشد تا به این خواسته درونی پاسخ گوید. دوره نوجوانی، از دوران چهارم رشد محسوب می شود که از ۱۲ سالگی شروع و تا ۱۸ سالگی ادامه دارد.

این دوره رشد، از مهمترین دوران زندگی است، زیرا که نوجوان به لحاظ ویژگی‌های سنی خود دارای تخیلی قوی است و به همین دلیل نیز آرمانگرایی در او از قوت بیشتری برخوردار است. نوجوانی با نوعی تمایل سرکش به آزادی‌های بی‌قید و شرط آغاز می‌شود. جریانی از رشد که حد فاصل میان کودکی و جوانی قرار دارد و بسیار حساس و مهم است که بنابر این پیروی از الگوهای مناسب رفتاری در این دوره سنی حساس، نقش تعیین کننده‌ای در ارائه رفتار مطلوب اجتماعی آنان دارد.

عدم وجود الگوهای رفتاری متناسب با فرهنگ ملی کشور ایران، زمینه گرایش جوانان و نوجوانان را به فرهنگ بیگانه مهیا می‌سازد، فرهنگی که با ارائه الگوهای رفتاری معارض با فرهنگ ما، آن‌ها را دچار بحران هویت می‌سازد که اگر به این نکته مسئله آسیب پذیری نوجوانان را به لحاظ روحی، روانی و جنسی اضافه نمائیم و از بعد دیگر نقش مهم آن‌ها را در ساختن حیات اجتماعی آینده در نظر بگیریم، وضعیت بحرانی را هر چه بیشتر حساس می‌کنیم.

سلامت روانی این قشر، در سایه توجه همه جانبه به نیازهای وی از جمله نیازهای جسمانی تامین می‌شود. عدم توجه به این نیازها موجب عدم تعادل روانی شده و در نتیجه احتمال بروز اختلالات روانی، وابستگی عاطفی را در پی خواهد داشت، بنابر این شناخت و رفع نیازهای آن‌ها در سال نوجوانی، ارائه الگوهای مناسب رفتاری برای آن‌ها باید به عنوان مسئله‌ای اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

دوران نوجوانی از دوره‌های حساس زندگی است و این قشر از سرمایه‌های ارزشمند هر جامعه محسوب می‌شوند که در کشور ما بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

به زعم صاحب نظران، در این دوران، نوجوان بدنبال کسب هویت مستقل است. این مقطع از زندگی، دوران تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و شناختی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است، در این دوران جامعه از فرد انتظار دارد که مستقل باشد، روابطش را با همسالان و بزرگسالان تغییر دهد، سازگاری جنسی و آمادگی شغلی داشته باشد و علاوه بر همه این‌ها به دنبال کسب هویت باشد.

نیاز به داشتن هویت مستقل از نیازهای مهم انسان، بخصوص در این مقاطع سنی است. عوامل متعددی در تعیین هویت فرد اثر گذارند که از آن جمله می‌توان به

خانواده، نهادهای آموزشی و پرورشی، تغییر و تحولات اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، عناصر فرهنگی، رسانه‌های گروهی، نقش‌هایی که تاکنون ایفا نموده و یا می‌خواهد ایفا نماید، اشاره نمود.

چنانچه کسب هویت در دوره نوجوانی به هر دلیلی به تاخیر افتد، آنگاه نوجوان، در دوره جوانی سعی می‌کند که با کسب هویتی تازه، چارچوب، هدف و خط مشی زندگی را مشخص کند. در این زمان جز در موارد استثنایی، اغلب افراد از طریق همانند سازی، هم‌نمایی با رفتارهای متداول یا متعارف جامعه، هم‌رنگ دیگران می‌شوند تا این‌گونه می‌توانند از یک احساس امنیت برخوردار شوند. حال اگر رفتارهای متعادل یک جامعه، رفتارهایی سازنده و آمیخته به معیارهای اخلاقی باشد، جامعه راه سازندگی و شکوفایی را در پیش می‌گیرد و در غیر این صورت جامعه، به سمت انحرافات و نادرستی‌ها جهت می‌گیرد. بنابراین مهم و ضروری است که عوامل مرتبط با الگوپذیری رفتارهای جوانان مورد بررسی علمی قرار گیرد.

دکتر محمدعلی چیت‌ساز

عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان